



تلمیح در غزلیات شمس تبریزی در تطبیق با تشبیه در شمایل‌نگاری مذهبی

آسیه رحیمی^۱، ثریا رازقی^۲، زهرا قرقی^۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. rahimi174@gmail.com

^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. razaeghi145@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. z_ghoroghi@iau-tnb.ac.ir

چکیده

کاربرد آرایه‌ها یکی از عناصر زیبایی‌بخش در شعر و هنر فارسی است. مبادی و سرچشمه‌های فرهنگ ایران زمین از دیرباز آکنده از اعتقادات، باورها، عقاید عامه، علوم قدیم، فرهنگ‌های قومی، جهانی، فرا جهانی و مشترک بوده است که عصاره آن‌ها در لابه‌لای دواوین شاعران و آثار هنرمندان با عنصر تلمیح و تشبیه متبلور شده است. کلیات شمس نیز به دلیل آشنایی مولانا با قرآن مجید و آیات و شخصیت‌های قرآنی و داستانی و فرهنگ‌ها سرشار از تلمیحات نوع به نوع اعم از داستان‌ها، افسانه‌ها و تلمیحات ایرانی و مشترک و آیات و احادیث و... است. شمایل‌نگاری نیز از هنرهایی است که در آن میتوان آثار تشبیه و مضامین مذهبی را مشاهده کرد و دوره قاجار یکی از ادوار رونق شمایل‌نگاری مذهبی است. یافته‌های این پژوهش، که به شیوه کتابخانه‌ای و به روش تحقیق توصیفی و تحلیلی انجام یافته است نشان می‌دهد مولانا تلمیحات متنوعی در اثر خود به کار برده است که در این تلمیحات طبقه‌بندی شده به صورت تلمیحات ششگانه آیات و احادیث و ارسال و المثل تلمیحات اسلامی و عربی، تلمیحات ایرانی و مشترک، تلمیحات اعتقادی، تلمیحات عامه، نادر و مسامحه‌گرانه موجود است.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین و استخراج انواع تلمیحات غزلیات شمس تبریزی.
۲. بررسی عنصر تشبیه در شمایل‌نگاری مذهبی قاجار و تطبیق آن با تلمیح در غزلیات شمس تبریزی.

سؤالات پژوهش:

۱. انواع تلمیح در غزلیات شمس چگونه انعکاس یافته است؟
۲. در شمایل‌نگاری مذهبی دوره قاجار از چه تشبیهاتی استفاده شده است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۴۷۷ الی ۴۹۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۳/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

تلمیح،
غزلیات شمس تبریزی،
تشبیه،
شمایل‌نگاری مذهبی،
دوره قاجار.

ارجاع به این مقاله

رحیمی، آسیه، رازقی، ثریا، قرقی، زهرا. (۱۴۰۰). تلمیح در غزلیات شمس تبریزی در تطبیق با تشبیه در شمایل‌نگاری مذهبی قاجاری. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۴۷۷-۴۹۶.



[dori.net/dor/20.1001.1
1735708.1400.18.44.29.4](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.44.29.4)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2022.337522.1925](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.44.29.4)

مقدمه

شمایل‌نگاری نوعی نقاشی است که می‌توان آن را کوششی در هنر نقاشی اسلامی- شیعی ایران دانست. شمایل‌نگاری از نظر ادبی به معنای توصیف تصاویر است. این هنر در عصر صفویه و قاجار به اوج خود رسید. شمایل‌نگاری در ایران ویژگی‌های خاص خود را دارد. این ویژگی این هنر را از آن در دیگر نقاط جهان متمایز می‌کند. کاربرد تشبیه یکی از این ویژگی‌ها است. گاهی مولانا در غزلیات شمس بعضی از این تلمیحات سر بسته و رمز دار را به مرادش شمس تبریزی نسبت داده است و او را موسی وقت و یوسف زمان خود و خود را نیز هارون و یعقوب و ... خطاب کرده است. "چشمزد" یا "تلمیح" به تقدیم "لام" و "میم" و بعضی میم را مقدم دانستند. در لغت به معنی سبک نگاه کردن به چیز است و تلمیح در لغت نمک کردن در چیزی و آوردن چیز ملیح و سخن ملیح گفتن (شمیسا ۱۳۶۹: ۵) به گوشه چشم اشاره کردن (همایی، ۱۳۵۴: ۳۲۸) و لمح جستن برق باشد و لمح یک نظر است (قیس الرازی، ۱۳۷۲: ۳۲۵). از تعاریفی که در مورد تلمیح در علم بدیع شده است می‌توان استنباط کرد که "این صنعت چنان است که متکلم اشاره می‌کند در کلام خود به قصه یا آیه یا شعر یا حدیث مشهوری" (نجفقلی میرزا: ۸۸). از سوی دیگر، اشاره به داستانی در کلام است در دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب دارد " زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی بین عین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزاء داستان "تناسب" وجود دارد (شمیسا، ن: ۱۳۶۹: ۹۰). تلمیح از صنایع معنوی بدیع است و در واقع عصاره معلومات و افکار شاعر به شمار می‌آید که در اشعار مولانا به وفور یافت می‌شود و به اوج خود رسیده است. در واقع می‌توان گفت که تلمیح و هنر دو روی یک سکه‌اند که شاعر با آوردن آن در اشعار خود آفرینش هنر می‌کند و نه تنها بر سرمایه فرهنگ اثر، جامعه بلکه بر عمق موسیقی معنوی آن می‌افزاید و خاطراتی که به منزله ثمره حیات بارور او در برخورد با افسانه‌ها یا واقعیت‌های عینی روزگاران گذشته یا عصر خویش است در لابه‌لای اشعارش به صورت رمزآلود و سر بسته با اهداف مورد نظر خود جهت آشنایی زدایی روایی و بلاغی ماندگار می‌سازد. از آن جاست که سخنورانی پند آفرین چون مولانا که سروده‌های خویش را با مایه‌ها و لایه‌هایی از نگاره‌ها و انگاره‌های شاعرانه پی در پی و توی در تو، ژرفی و شگرفی می‌دهند. از این آرایه‌ها بهره بسیار بردند برخی از داستان‌ها، افسانه‌ها و اداب و رسوم اعراب و هندیان نیز در این صنعت راه یافته که در زمره تلمیحات اسلامی و ایرانی و غیر ایرانی و عامه و ... گنجانده شده است.

هدف از این تحقیق، تبیین و استخراج انواع تلمیحات غزلیات شمس و بررسی آن که دربر گیرنده قسمت عظیمی از اندیشه‌های مولانا بوده، بدیهی است با این بررسی می‌توان ذهن و زبان شاعر را که مطابق یافته‌های پژوهش، که به صورت تلمیحات ششگانه اعم از آیات و احادیث و ارسال المثل، تلمیحات اسلامی و عربی، تلمیحات ایرانی و مشترک، تلمیحات اعتقادی، تلمیحات عامه و تلمیحات نادر و مسامحه‌گرانه که با استناد به تفاسیر و کتب معتبر کشف و بسط شده است، احیا کرد و مسیر را برای تحقیقات بعدی هموار ساخت. تطبیق کاربرد این عنصر با عنصر تشبیه در شمایل نگاری دوره قاجار است.

در زمینه تلمیحات تا به امروز تحقیقات زیادی صورت گرفته و در کتب و مجلات علمی و ادبی به چاپ رسیده است. محمد حسینی مقاله‌ای تحت عنوان «تلمیحات پیچیده و راز آمیز در مثنوی معنوی» نگاشته است. بدری قوایی مقاله «تلقی هنر مولوی از قرآن و حدیث در کلیات شمس» را نوشته است. در رابطه با عنوان این پژوهش در راستای موضوع بررسی انواع و اهداف تلمیح در کل غزلیات شمس تبریزی تا زمان نگارش این پژوهش تحقیق جامع و اثر مستقلی نگارش نیافته است و جنبه بکر و تازگی موضوع بی سابقه و مورد تایید است. در ادامه پژوهش صورت گرفته بر مبنای طبقه‌بندی انواع تلمیح ششگانه و اهداف مولانا با استناد به تفاسیر و کتب معتبر به بررسی موضوع می‌پردازد که بی سابقه است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های مابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱. شمایل‌نگاری مذهبی دوره قاجار

از دیدگاه برخی از محققان حوزه هنر، شمایل‌نگاری کاملاً از حقیقتی معنوی تغذیه میکند و به آن بیان بصری می‌بخشد (بورکھات، ۱۳۹۰: ۱۱۴). در دوره قاجار و به موازات تلاش شاهان قاجار برای اتحاد شیعیان و رهبری شیعه با حمایت از مراسم و فعالیتهای مذهبی چون توسعه بقعه‌ها و امام زاده‌ها و رویدادهای مذهبی، شمایل‌نگاری مذهبی نیز رونق گرفت. نقاشی مذهبی جایگاه والایی در میان مردم پیدا کرد و قهوه‌خانه‌ها به یکی از کانون‌های اصلی نمایش شمایل‌نگاری مذهبی تبدیل شد. در این میان، آثار نقاشی در میان مردم کوچه و بازار رونق گرفت؛ این تحول هم باعث اعتلای آثار هنری می‌شد و هم موجبات انحطاط آن را فراهم می‌ساخت و آن را از فرهیختگی عاری می‌کرد و به ذوق و سلیقه مردم کوچه و بازار نزدیک می‌ساخت (آژند، ۱۳۸۵: ۱۴۸). با این تحول، شمایل‌نگاری مذهبی که از هنرهای نزدیک به هنر توده بود رونق گرفت.

شمایل‌نگاری مذهبی در قهوه‌خانه‌ها به شکل نقاشی‌های روی پرده نمایان شد. بخش مهمی از این نقاشی‌ها با مضمون عاشورا بود. در این پرده‌ها معمولاً شمایل حضرت عباس با دستانی جدا، طفلان مسلم، خیمه‌های سوزان، قیام مختار، مجلس جن و انس به تصویر کشیده شده است و نقالان پرده‌خوان با نثر و شعر، حوادث مربوط به آن‌ها را با صدا بازگو می‌کردند (محدثی، ۱۳۷۸: ۸۶). با این تفاسیر باید گفت شمایل‌نگاری در مقطعی از تاریخ فرهنگی - مذهبی و اجتماعی ایران نقش مهمی در آشنا کردن ایرانیان با روایت‌های ملی-مذهبی داشته و تأثیر چشمگیری بر هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای بر جا نهاده است. عناصر به کار رفته در نقاشی قهوه‌خانه‌ای ذهنی بوده که به صورت فرم، رنگ، در قالب‌های نمادین، بیانگر ارزش‌های اسلامی - شیعی بودند. در این میان، موضع زندگی امام حسین (ع) یکی از محوری‌ترین مضامین این نوع نقاشی بوده است. از بارزترین ویژگی‌های شمایل‌نگاری مذهبی، کاربرد نمادها مانند رنگ‌های سبز، آبی، سفید و غیره برای القای حالات مورد نظر بوده است (جوانی و کاظمی نژاد، ۱۳۹۵: ۴۳-۴۴). به نظر می‌رسد هنر نقاشی در هر مقطع تاریخی ارتباطی نزدیک با سیاست‌های کلان و فرهنگ مسلط بر جامعه دارد. در دوره قاجار نیز به فراخور تحولات و رویکردهای سیاسی، هنر شمایل‌گری مذهبی مورد توجه جدی حاکمان و مردم عادی قرار گرفت.

۲. تلمیح در غزلیات شمس

اتصال مولانا به دریای علم الهی آن چنان به اندیشه او وسعت بخشیده که هر چقدر در آثار وی تحقیق و تفحص شود باز هم می‌توان فکری نو و حرفی تازه از آن بیرون آورد. دیوان کبیر سرشار از تلمیحات و اشارات اعم از داستان‌ها و افسانه‌ها و تلمیحات ایرانی و غیر ایرانی و آیات و احادیث و . . . است. مخصوصاً آیات و احادیث و تلمیحات اسلامی شامل داستان پیامبران و شخصیت‌های مذهبی به وفور یافت می‌شود که می‌توان گفت که کمتر بیتی از ابیات کلیات شمس است که در آن تلمیحی از این نوع موجود نباشد. حال محرم راز آشنایی می‌باید که در این میان این شکایت‌ها را از دل آن حکایت‌ها بشنود و بفهمد و انواع آن را از هم متمایز و جدا کرده و آن‌ها را پوست باز کرده و آشکارا از دل آن حکایت‌ها بیرون بریزد. همین امر ضروری می‌نماید که این درها را از دل دریای دیوان شمس بیرون کشید و انواع تلمیح را استخراج کرده، شرح و بسط داد تا بدین وسیله راه برای تحقیقات بعدی هموار گردد.

۲.۱. قرآن

اصلی‌ترین منبع مولانا در تلمیحات، قرآن کریم است و تلمیح به قرآن و آیات و احادیث در جای جای دیوان شمس خود را نشان می‌دهد در میان تلمیحات قرآنی اشاره به آفرینش و داستان پیامبران و انواع داستان‌های اسلامی و مذهبی و ... به طور مستقیم یا غیرمستقیم به چشم می‌خورد زیرا مولانا معتقد است "قرآن دیبایی دو رو است؛ بعضی از این روی بهره می‌یابند و بعضی از آن روی، و هر دو راست است؛ چون حق تعالی می‌خواهد هر دو قوم از آن مستفیذ شوند". (فیه ما فیه، ۱۶۵) بنابراین قرآن در غزلیات شمس بسامد بالایی دارد. به اعتقاد زرین کوب حاصل سعی مولانا در "تطبیق مقالات صوفیه با معانی قرآن است". (زرین کوب، ۱۳۷۲: ۱۸۵/۱) پس از تلمیحات قرآنی، تلمیحات اسلامی و عربی در غزلیات شمس کاربرد زیادی دارد شامل داستان‌های پیامبران و شخصیت‌های مذهبی و . . . می‌باشد و کمتر بیتی از دیوان شمس را می‌توان یافت که به تلمیحاتی از این نوع اشاره نکرده باشد که در این مجال به ذکر شواهدی چند اکتفا می‌کنیم:

از رحمه للعالمین اقبال درویشان ببین

چون مه منور خرقها چون گل معطرشالها

(ج ۱ - ب ۲۲)

حضرت محمد (ص)

ناظر است به آیه: "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ" (الانبیا/۱۰۷)

و نفرستادیم تو را جز آنکه می‌خواستیم به مردمان جهان رحمتی ارزانی داریم.

۲.۲. احادیث

دمی با مصطفی هم کاسه باشیم

که او می‌خورد از آن جا شیر و خرما

(ج ۱ - ب ۱۲۱۲)

مقتبس است از مضمون حدیث:

"أَيُّتُ عِنْدَ رَبِّي يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي" (احادیث مثنوی، ۸۸)

"شب در نزد خدایم به سر می برم و طعام و شرابم می دهد."

عاقبت بینی مکن تا عاقبت بینی شوی

تا چو شیر حق باشی در شجاعت لا فتی

(ج ۱ - ب ۱۷۷۰)

اشاره است به:

لا فتی الا علی، لا سیف الا ذو الفقار (مجمل التواریخ و القصص) (۲۴۸)

جوانمردی جز علی (ع) و شمشیری جز ذوالفقار نیست. (این حدیث جبرئیل نام دارد؛ زیرا جبرئیل بعد از غلبه علی

(ع) بر عمرو بن عبدود بر آسمان خوانده است)

۲.۳. امثال سائره و حکم

مولوی در استفاده از تمثیل و زبان رمزی و امثال و حکم که هدف از آن ایجاز و معنی آفرینی و اظهار معلومات است و بر شیرینی و زیبایی سخن می افزاید، مهارت خاصی دارد.

ای مه زاجلال خجل عشقت زخون ما بجل

چون دیدمت می گفت دل "اذا جاء القضاء، ضاق القضاء"

(ج ۱ - ب ۳۶۰)

مستفاد است از مثل

اذا جاء القضاء، ضاق القضاء چون قضا نزدیک شد فضا تنگ می شود.

(مجمع الامثال: ۱/ ۶۳ (و نیز) امثال و حکم دهخدا: ۱/ ۱۹۲)

نظیر: "اذا جاء القدر عمی البصر" چون قدر آید چشم کور می گردد (امثال و حکم دهخدا: ۱/ ۱۹۲)

۲.۴. تلمیحات اسلامی و عربی^۱

غزل، مرکز اصلی تلمیحات اسلامی است؛ از قرن ششم به بعد یعنی در سبک عراقی، اساطیر ایرانی عقب رانده شد و تلمیحات اسلامی استیلا یافت این امر در قرن بعد نیز ادامه پیدا کرد. در فرهنگ تلمیحات (اردشیری، ۱۳۸۶: ۱) آمده است: "تلمیحات اسلامی به دو نوع اسلامی و عربی قابل تقسیم است؛ تلمیحات سامی عربی ذکر رجال دوره جاهلی عرب است اما تلمیحات سامی اسلامی یا مربوط به خود رجال اسلام است مانند احوال ختمی مرتبت یا مطالب مربوط به تفسیر قرآن و ...". بزرگترین شاعر قرن هفتم که از تلمیحات اسلامی و عربی استفاده شایانی کرده مولانا جلال الدین

^۱ تلمیحات اسلامی، عربی که در غزلیات شمس آمده شامل شخصیت های ذیل می شود:

آدم، ابوبکر، ابولهب، ابو جهل، ابوهریره، اصحاب السبت، اصحاب فیل و اصحاب کهف، بلعم باهورا، جرجیس، جعفر ابن ابی طالب، چهار خلفای راشدین، چهارده معصوم و حضرت ابراهیم، ادریس، الیاس، ایوب، حمزه، خضر، داود، سلیمان، صالح، عیسی، محمد، نوح، موسی، یحیی، یوسف، یونس و امام حسن، حسین، حضرت علی، شب قدر، عید اضحی، عثمان، عذیر، عمر، قارون، قوم عاد، لقمان، هاروت و ماروت، حشام و ...

رومی است. قوامی می گوید "مولوی در کلیات شمس ۸۷ غزل عربی و ۱۸ رباعی عربی دارد و این غیر از ابیات و مصرع های عربی است که در لابه لای اشعار فارسی مثنوی و دیوان آمده است". بنابراین بعد از آیات و احادیث، تلمیحات اسلامی و عربی از پرکاربردترین تلمیحات دیوان کبیر است که شامل داستان های پیامبران و شخصیت های مذهبی و ... می شود.

خلق آدم به صورت خود:

هزار صورت زاید چو آدم و حوا

جهان پرست ز نقش وی، وی مصور نیست

(ج ۱- ب ۵۰۵۷)

بنابر روایت تفاسیر و تاریخ خداوند در آفرینش، آدم را به صورت خود آفرید که هرگز چنین صورتی نیافریده بود.

تاریخ بلعمی می نویسد: خداوند که می خواست انسان را از گل بیافریند:

"... آن گل را از دست بازداشت روزگار سیاه، تا سیاه شد و حماء مسنون گشت، پس آفتاب بسیار بران بتافت و صلصال گشت، قال: فخلق الله تعالى آدم علی صورته... یعنی علی صورته آدم آن صورت آن است که امروز صورت فرزندان آدم است و این صورت هرگز هیچ کس ندیده بود، نه فرشته و نه جن و نه وحوش هیچ صورتی بدین نیکویی نبود...". (بلعمی، ۷۲: ۱۳۴۱)

در اعلام قرآن آمده است:

"خداوند در پنج روز زمین و آسمان را آفرید و در روز ششم آدم را به صورت خویش از خاک، خلقت فرمود". (خزائی، ۲۰: ۲۵۳۵)

۲.۵. تلمیحات ایرانی و مشترک^۲

ساقیا بر خاک ما چون جرعه ها می ریختی

گر نمی جستی جنون ماجرا می ریختی

(ج ۶- ب ۲۹۵۵۶)

تلمیحات ایرانی، شامل شخصیت های ایرانی، داستان ها، آداب و رسوم اجتماعی و اخلاقی و غیره می شود که مولانا به ندرت در تلمیحات ایرانی از اساطیر سود می جوید، گاهی نیز به ذکر اساطیر به صورت خام فقط با ذکر نام رجالی معروف چون رستم و ... بدون اشاره به ماجرای خاص اکتفا می کند.

تلمیحات ایرانی و مشترک که در غزلیات شمس آمده شامل شخصیت ها و موضوعات ذیل است: ^۲ ابراهیم ابن ادهم، ابوالحسن خرقانی، ابوبکر نساج، ابوحنیفه، ابوسعید ابوالخیر، اسکندر، افلاطون، بایزید بسطامی، بوکر ربابی، جالینوس، پوشش سایه کعبه، تیغ و کفن پیش بزرگی بردن، جغد و ویرانه، جمشید، جنگ خر فروشان، جنید بغدادی، جوحی، حاتم طائی، حسین ابن منصور حلاج، خاقان، خسرو پرویز، خفاش و آفتاب، باز، رسم طاس زدن برای رفع خسوف، سعدی شیرازی، سنایی غزنوی، سنجر، سیمرغ (عنقا)، شبلی، شعر و اشتر، شیطان، عثمان زخمه زن، عطار نیشابوری، فریدون، قصه مرغ خانگی که بط بچگان پرورد، قیصر، کاوه، کیخسرو، کیقباد، کیکاووس، لات، مانی، مجنون، محمود غزنوی، مرغ انجیرخوار، معروف کرخی، نریمان و زال و ... نظامی، نعل در آتش نهادن، وامق، ویس، هجده هزار عالم، هفت ریا، هما، هندوستان و جادوگری و ...

برخی از این تلمیحات ایرانی شامل رسومی است که با سایر ملل و اقوام مشترک است از این روی تلمیحات مشترک نام گرفته است .

ساقیا بر خاک ما چون جرعه ها می ریختی

گر نمی جستی جنون ما چرا می ریختی

(ج ۶- ب ۱)

"جرعه بر خاک ریختن، از آداب و رسوم باده خواری بوده است و ریختن فضاله و ته مانده‌ی جام بر زمین را نشان کرامت و جوانمردی می دانستند.

شَرَبْنَا وَ أَهْرَقْنَا عَلَى الْأَرْضِ فَضْلَهُ وَ لِأَرْضِ مِنْ كَأْسِ الْكِرَامِ نَصِيبٌ (باده خوردیم و مانده‌ی جام را بر خاک ریختیم و برای زمین از جام بزرگان بهره‌ای است)

در مورد منشأ نخستین این رسم محققین اتفاق نظر ندارند . بعضی آنها را از آداب یونانی دانسته و گروهی یک رسم آریایی شمرده‌اند . غرض از این کار ظاهراً یادآوری و بهره مند ساختن یاران و دوستان بوده است که مرگ آنان را از هم جدا ساخته و در دل خاک مدفون ساخته است" (اجلالی ۱۳۶۹: ۴۹).

یا حقی در مورد پیشینه رسم جرعه افشانی بر خاک می‌گوید: "اقوام مختلف از روزگاران باستان پیش از رسم قربانی به افتخار خدایان و اموات، شراب یا روغن یا آب و عسل و یا شیر و مشروبات بر روی مجسمه‌ها یا مقابر می‌ریختند . گویا، ریختن آب خنک روی قبرها، امروز در ایران، یادگار همین رسم است. در داستان های یونانی آمده که به هنگام ولادت باکوس (رب النوع شراب) در تئوس، شهر قدیم یونان چشمه‌ای از شراب جوشید و چون او بزرگ شد، دانه‌ی مو را بکاشت از معجزات دیگر او آشکار ساختن چشمه‌های شراب به توسط عصا از سنگ بود .

یونانیان چون مو را گیاهی آسمانی تصور می‌کردند که به وساطت خاک بار می‌دهد و لطیف ترین عصاره‌های نباتی را به نام باده خاکیان تسلیم می‌کنند، از این رو به عنوان سپاسگزاری از عطیه‌ی خداوند شراب، به هنگام نوشیدن آن، جرعه‌ای بر خاک می‌افشاندند و به عبارت دیگر هدیه نثار می‌کردند. بنابراین، رسم جرعه بر خاک افشاندن (libation)، اصلاً یک رسم دینی بوده که در مراسم مذهبی به کار رفته است و هنوز هم در نزد ملل و اقوام، بر جای است." (باحقی ۱۳۶۹: ۱۶۲).

۲.۶. تلمیحات اعتقادی^۳

تلمیحات اعتقادی، در اغلب موارد ماخوذ از تلمیحات اسلامی و قرآنی است که مفسران در تفاسیر خویش به شرح و بسط آن پرداخته‌اند.

تا گاو و ماهی زیر این هفتم زمین خرم شده

^۳ تلمیحات اعتقادی که در غزلیات شمس آمده شامل موضوعات زیر است:

آفرینش (عرش، کرسی، قلم، لوح محفوظ، آفرینش آسمان و زمین و دریا، ارم، حوریان بهشتی، چهارجوی بهشتی، می بهشتی، کوثر، قصر مشید، درهای خلد، جنت الماوا، ...)، بهشت، دوزخ (هفت دوزخ)، فرشتگان، سبزپوشی فرشتگان، جبرئیل، عزرائیل (ملک الموت)، قیامت، رستاخیز و...

هر برج تا گاو سمک اندر علا پا کوفته

(ج ۵-ب ۲۴۱۶۸)

تا گاو و ماهی زیر این هفتم زمین خرم شده

هر برج تا گاو و سمک اندر علا پا کوفته

(ج ۵-ب ۲۴۱۶۸)

تلمیحی است به آفرینش آسمان و زمین و افسانه قرار گرفتن زمین بر شاخ گاو، قرار گرفتن گاو بر روی ماهی. قصص الانبیا در این مورد یادآور می‌شود که خداوند به قدرت خویش زمین را آفرید و با کوه‌ها آن را استوار ساخت و هم چنین آفرید آسمان‌ها را مطبق بر زمین و آنگاه:

"آب را قرارداد، پس ماهی را بیافرید بر سر آب، پس هفتاد سال خاکی آفرید بر پشت ماهی، بالای آن خاک چهل ارش، و آن خاک ثری است." آنگاه از پس هفتاد سال گاو عظیم بیافرید بر پشت این ماهی، پای‌های وی زیر خاک اندر قرار گرفت و این زمینها بر سر وی بفرمود نهادن و مرین گاو را روزی همی رساند و می‌دارد آramیده تا هرگز نجنبند که زلزله‌ی قیامت بر خیزد (نیشابوری، ۱۳۵۹: ۴).

فرهنگ اساطیر آمده است: "بسیاری از مفسرین قرآن برآنند که مراد از نون "ن" که در آغاز سوره قلم بدان سوگند یاد شده، آن ماهی است که جهان بر پشت اوست و او در آب قرار دارد، زیر آن ماهی گاو است و زیر گاو صخره، و زیر صخره ثری و زیر ثری کس نداند که چیست نام آن ماهی "لیوثا" است و نام آن گاو یهموث" (یاحقی، ۱۳۶۹: ۳۸۶).

۲.۷. تلمیحات عامه

فرهنگ عامه هر ملتی بیانگر ادبیات آن ملت است که ما را به شناخت آداب، باورها و خرافات آن‌ها سوق می‌دهد. تلمیحات عامه یکی از پر بسامدترین و پرکاربردترین اشارات در غزلیات شمس به شمار می‌آید که شامل دو بخش می‌شود: موجوداتی که عوام به آن اعتقاد دارند و رسومی که در میان عامه رایج است و چهره‌هایی اعم از دیو و جن و پری و سایه‌ها و رسومی چون نعل در آتش نهادن و طاس زدن برای رفع خسوف و ... که منبعت از اعتقادات عامیانه زمان شاعر یا قبل از آن بوده و سینه به سینه نقل شده است و در سیر خود از تجارب تاریخی و فرهنگی مردم سرزمین مایه گرفته و سرچشمه‌های معنویت اسلام و مذهب غنا یافته و به صورت قصص و روایات عامیانه و فولکور^۴ رواج پیدا کرده است. دکتر محبوب می‌گوید:

"گاهی آثار بازمانده فرهنگ عامه چنان روشنگر اخلاق و وضع روحی عصر خویش است که هیچ کتاب تاریخ و جامعه‌شناسی نمی‌تواند چنین پرتوی به زندگی اجتماعی دآن روزگار بیفکند" (محبوب، ۱۳۸۲: ۶۸).

مولوی در غزلیات شمس از میان تلمیحات عامه توجه خاصی به پری داشته و آن را با موضوعات و دیدگاه‌های متنوعی مورد بررسی قرار داده از جمله: زیبارویی پریان، انتقام جویی پریان، نامرئی بودن پریان، استراق سمع پریان، شب زنده

^۴ فولکور از دو واژه فورک به معنای مردم، گروه، طبقه و لور به معنای دانش تشکیل شده است

داری پریان، پری در چشمه و گرمابه، پری و آهن، پری و شیشه، پری و پری خوانی، عشق پریان و ... مورد بررسی قرار داده است.

گاهی پری را در معنی مجازی به جای معشوق فرشته خو و فرشته رو و ... به کار برده است و گاهی از آن به صورت نمادین سخن می گوید که در روان شناسی امروز آن را "آنیما"^۵ (حسینی، ۱۳۸۶: ۱) می نامند که جان او را بی قرار می کند و نمادی از دل و جان مولاناست. از دل همچون آهنم دیو و پری حذر کند

چون دل همچو آب را عشق تو آهنین کند

(ج ۲- ب ۵۸۹۶)

جن و پری از آهن و آلت فلزی گریزانند، بنابراین مردم برای کم کردن شر جن و پری و رفع مزاحمت آنها آلت فلزی یا پولای را با خود همراه می سازند. درآفرینش زیانکار آمده است:

"برای محفوظ ماندن از گزند اجنه و دورساختن آنها باید کارد یا آلت فلزی یا پولادی همراه داشت. اجنه بویژه از نیش سنجاق در هراس است. هرگاه سنجاق به گردن یک جن که خود را به صورت دراز گوش درآورده بنشانند می توانند آن را برای بار کشیدن بکار بگیرند و هرگاه سنجاق را بیرون کشند (حیوان بارکش (دگر باره به صورت جن درمی آید و می گریز. (کریستینسن: ۱۲۳).

دکتر سرکاراتی نیز به گریز پری از آهن اشاره کرده و می گوید:

"... در ادب عامیانه پری و جن از نمادهای خودآگاه، مانند نام خدا، آینه و آهن بیمناک و رو گردان است" (سرکاراتی، ۱۳۵۰: ۹۵/۴).

۲.۸. تلمیحات نادر و تسامح گونه (مسامحه گرانه)

مولانا در دیوان شمس تلمیحاتی آورده که از آن به عنوان تلمیحات نادر یاد کردیم و مولانا به ندرت از این تلمیحات در اشعار خود استفاده کرده است. از عشق بدل شود همه چیز

ترکی سازند ارمنی را

(ج ۴ - ب ۱۳۸۷)

هوای شمس تبریزی چو قدس است

تو آن خوکی که نپذیرد فرنگت

(ج ۱ - ب ۷۲۲۷)

^۵ آنیما زن صوفیایی درون که شاعر را وا می دارد تا از زبان او و از او سخن گوید و خود را پریزاده و پریدار بداند.

اشاره دارد به جنگ‌های صلیبی^۶ که بین مسیحیان و مسلمانان بر سر بیت المقدس روی داد که صلیبیان در ابتدا موفقیت‌هایی داشتند ولی در نهایت از سرزمین‌های مقدس بیرون رانده شدند (نک: ناصری-طاهری: ۱۳۷۴).
به بوی نفس مکن جان که بهر گردن خوک

کس نبرد زنجیر مسجدالاقصی

(دیوان خاقانی، ص ۷)

بر سر کوی غمت جان مرا صومعه است

گر نباشد قدمش بر که لبنان چه شود؟!

(ج ۲ - ب ۸۳۷۲)

اشاره تاریخی دارد بر اینکه محل اجتماعی ابدال بر جبل عامل لبنان بوده. در اغلب داستان‌های اسطوره‌ای که مأخذ اصلی آنها داستان‌های ملی است به دلیل تنوع داستانی یا عدم احاطه و تسلط شاعر بر منابع داستانی ممکن است موجب اختلاط داستان‌ها در ذهن شاعر شود و تسامح گونه‌هایی در تلمیح روایی ایجاد کند. حیدر قمر در پژوهش خود در بیان دلیل آن می‌گوید "زیرا شاعران به طور عمده در پی برداشت مناسب اجتماعی و دینی از داستان هستند و آنچه اهمیت دارد درس اخلاقی و تربیتی برگرفته از آن است نه روایی و صحت آن. مثنوی مولوی مملو از این روایات است البته گاهی نظر داشتن شاعر به روایتی متفاوت از یک داستان ممکن است موجب این تصور گردد که تلمیح ناصحیح است در حالی که تلمیح کننده، به صورتی دیگر نظر داشته است" (قمر، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

مواردی از این نوع تلمیحات در دیوان کبیر نیز مشهود است که مولانا به سهو یا تسامح آن‌ها را در اشعار خود آورده است. مانند نسبت اختراع آتش به جمشید به جای هوشنگ و نسبت استخوان به عنقا به جای هما و بنا بر قول مشهود و اعتقادات و روایات استخوان خواری مختص هما است ولی مولانا آن را به عنقا نسبت داده است.

ای جان جان جانرا بکش تا حضرت جانان ما

وین استخوان را هم بکش هدیه بر عنقای ما

(ج ۱ - ب ۴۰۷)

بنا بر قول مشهور و اعتقادات و روایات، استخوان خواری مختص هما است ولی مولانا و استخوان خواری را به عنقا نسبت داده است.

تو ز خاک سر برآور که درخت سربلندی

تو بپر به قاف غربت که شریف تر همایی

(ج ۶ - ب ۱۷)

شاعر قاف را که نشیمن گاه سیمرغ است به هما نسبت داده است.

^۶ رک مقاله جنگ‌های صلیبی از عبدالله ناصری طاهری

آتش افکند در جهان جمشید

از پس چار پرده چون خورشید

(ج ۲ - ب ۱۰۳۳۶)

در روایات ایرانی و کتب حماسی به اختراع آتش توسط هوشنگ اشاره شده است و مولانا آن را به تسامح به جمشید نسبت داده است.

گاهی نیز این مسامحه گویی مربوط به مناسبت ها و داستان های دینی و مذهبی است:

چون رفت محمد به در خیبر ناسوت

نقدی بزد از نصرت و نقاب در آمد

(ج ۲ - ب ۶۷۳۷)

تفاسیر و روایات و کتب دینی شکافتن در خیبر و کندن آن را به حضرت علی (ع) نسبت داده اند ولی مولانا به تسامح آن را به پیغمبر نسبت داده است.

برخی این تسامح گونه در دیوان شمس بر مبنای شاهنامه هستند، اما با روایات آن همخوانی ندارد.

۳. اهداف مولانا در استفاده از تلمیح و تطبیق آن با تشبیه در شمایل نگاری مذهبی قاجار

با این که وجهه همت مولانا بیش از هر چیزی توجه به معنی است با این وجود از آراستن شعر به بدایع لفظی و ساختار بلاغی نیز غافل نبوده است. تلمیح یکی از این دست صنایعی است که وی برای مقاصد و اهداف گوناگون از آن بهره برده است و در این راستا از تلمیحات پیشین و تکراری که از اواخر قرن چهارم تا عصر شاعر که نقش قاموسی و روساخت به خود گرفته بود گذر کرده و به قصد آشنایی زدایی هم در ساختار روایی و هم در ساختار بلاغی تلمیحات کلیات شمس تصرف کرده و طرحی نو برانداخته و با هنرمندی های بدیعانه خود تلمیحات ساده را به سوی تلمیحات زیرساخت و پیچیده و غیرتکراری سوق داده است که در ادامه به آن پرداخته می شود.

۳.۱. برای بالا بردن خبر یا ایجاد زبان شعری

گاه شاعر به وسیله تلمیح جملات ساده نثری را تبدیل به شعر می کند، به عبارت دیگر با استفاده از تلمیح به نوعی زبان شعری دست می یابد. مثلاً مولانا به جای این جمله نثری "هشیار از حال مستان بی خبر است" گفته است:

هشیار کجا داند بی هوشی مستان را؟

بوجهل کجا داند احوال صحابی را؟

(ج ۱ - ب ۹۰۶)

و با استناد به داستان بوجهل به عنوان شاهد خبری نه تنها زبان شیرین ایجاد کرده بلکه بر تاخیر کلام، استحکام بخشیده است.

اغراق، یعنی اثبات صفتی برای ممدوح یا معشوق؛ مولانا با استفاده از مکالمه درون متنی با ساختار پیچیده تشبیهی یا تناسبی آن چنان که در تلمیحات ساده به کار می رود استفاده نمی کند؛ بلکه با ترکیب تشبیهاتی پیچیده و اغراق گونه شاعرانه و اغراق گونه صفاتی متعدد را به ممدوح خود نسبت می دهد و تلمیحاتی پیچیده و تلفیقی می آفریند و از تلمیحات و داستان های ساده آشنایی زدایی می کند.

سیمرغ دل عاشق در دام کجا گنجد؟

پرواز چنین مرغی از کون برون باشد

(ج ۲ - ب ۶۴۰۳)

جیب مریم زدمش حامل معنی گردد

که منم ز نفسی سازم عیسی نفسی

(ج ۶ - ب ۳۰۴۰۸)

شمس دین جام جمست و شمس دین بحر عظیم

شمس دین عیسی دم است و شمس دین یوسف عذار

(ج ۲ - ب ۱۱۳۷)

مولانا در انتساب تشبیهات و صفت‌های متعدد اغراق آمیز خود از ممدوحش شمس تبریزی غافل نبوده و او را از نظر دم حیات بخش داشتن به عیسی و زیبایی به یوسف و ... تشبیه کرده است. و بدین طریق با ایجاد تلمیح تلفیقی^۷ تلمیحات ساده را به سوی پیچیده بودن و غیرمبتذل بودن سوق داده است.

۳.۲. اشاره به حوادث تاریخی

غالب تلمیحات او اشاره به یک حادثه تاریخی است. به عبارت دیگر، هر کدام از رجال عصر او مشبه بهی در یکی از تلمیحات دارند. به ممدوح می گوید:

چو آدمی به یکی مار شد برون ز بهشت

میان کژدم و ماران ترا امان ز کجا

(ج ۱ - ب ۲۴۱۷)

ای تو سلیمان به سپاه و لوا

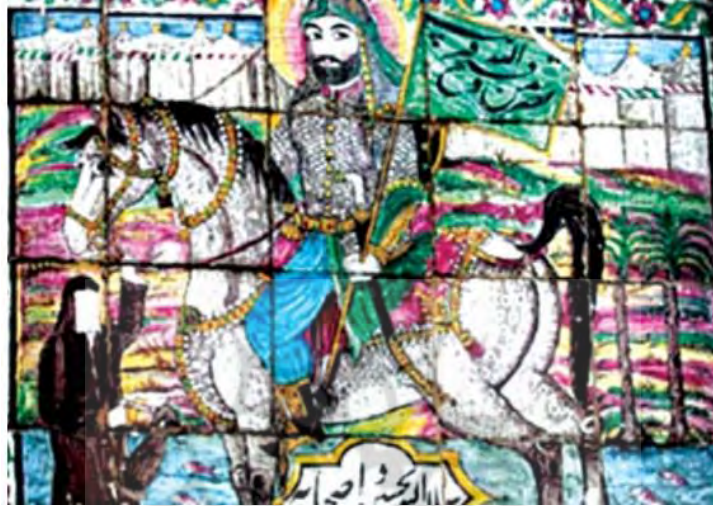
خاتم تو افسر دیو و پری

(ج ۷ - ب ۳۳۹۳۸)

شاعر با استناد به داستان تاریخی پیشین چون حضرت آدم و حضرت سلیمان، داستان‌های تاریخی پیشین در متن جدید، باب گفت و گو میان این زمینه‌ها را می‌گشاید که منحصر به یک اشاره پیشامتنی است و با هنر شاعرانه ایجاد

رابطه مشابهت بین ممدوح و تلمیح به حادثه تاریخی دایره مکالمه درون متنی را گسترش می دهد و به تلمیح چهره جدیدی می بخشد و از چاه ابتذال و تکراری بودن بیرون می آورد.

در شمایل نگاری دوره قاجار نیز از آرایه تشبیه برای ترسیم ایده آل های مذهبی استفاده شده است. در تصویر شماره (۱) که مربوط به مضمون شیعی و چهره حضرت ابوالفضل است از نور به برای تشبیه به خوشیدی کوچک و تفسیری برای تقدس این شخصیت استفاده شده است



تصویر ۱: شمایل حضرت ابوالفضل (ع)، در کاشی های رنگی تکیه معاون الملک، در کرمانشاه، مربوط به دوره قاجار. منبع: (یاسینی: ۱۳۹۴).

۳.۳. ایجاز

یکی از دلایل استفاده از تلمیح در غزلیات شمس رسیدن به ایجاز است؛ زیرا مولانا با استفاده از یک کلمه یک جزء تلمیحی (می تواند تمام مقصود داستانی را بیان کند، در حقیقت آن یک کلمه عصاره آن داستان و سنبل معنای آن قصه است که به منظور آشنایی زدایی در سطح ساخت (نه مترادفات و اضافات) صورت می گیرد که هم تأثیر بلاغی بیشتری خواهد داشت و هم به دلیل نامتناهی بودن، همواره امکان خلق فرم های جدید را فراهم می آورد (شمیسا، ف ۱۳۷۵: ۷۴) می توان با استفاده از مترادفات و اضافات و ... گونه های جدید تلمیح و زایایی خلق کرد.

اصلا پروانه جانان قصد آن آتش کنید

چون بلی گفتید اول در روید اندر بلا

(ج ۱ - ب ۱۶۲۰)

بیا و خرقة گرو کن به می فروش الست

که پیش از آب و گل است از الست خماری

(ج ۳ - ب ۳)

در نمونه شعرهای فوق مولانا با آوردن کلمات کلیدی می فروش الست، آب و گل و خماری الست و بلی خلاصه داستان آفرینش انسان را یادآوری کرده و در ذهن مخاطب موجب خیال انگیزی تلمیح می شود.

شمیسا معتقد است که اغراق در ایجاز جزو عیوب تلمیح است بنابراین برای فرار از ابتدال طبیعی به استفاده از اجزای متفاوت تلمیحی در ساختار جدید و بدیع که از آن به "زایا بودن دستگاه تلمیح" یاد می‌کند، تاکید دارد. در شمایل نگاری دوره قاجار نیز از تشبیه برای ترسیم قداست شخصیت‌های مذهبی استفاده شده است. تصویر شماره (۲) برای قداست علی(ع) استفاده شده است.



تصویر ۲: شمایل علی(ع) در قاب لاک، اثر محمد اسماعیل اصفهانی، دوره قاجار. مأخذ: (عزیزی، بهارلو: ۱۴۰۰).

۳.۴. معنی آفرینی

گاهی مولانا به کمک تلمیحات به معنای تازه‌ای می‌رسد یا از آن‌ها معنی تازه‌ای می‌آفریند و با تصویربرداری معکوس از موضوعات کهن مضامین نو می‌سازد و معنی آفرینی می‌کند و با آوردن ابیات زیر: عجایب یوسفی چون مه که عکس اوست در صد چه

ازو افتاده یعقوبان به دام و جاه ملت‌ها

(ج ۱ - ب ۶۸۳)

آن که در دریای خونم غرقه کرد

یونس و قتم نجاتم می‌دهد

(ج ۲ - ب ۸۴۸۳)

به صورت کنایی می‌گوید که بازتاب زیبایی یوسف در چاه آب چاه را به جوش می‌آورد و غیر آن می‌بیند و در بیت بعدی در داستان مورد اشاره تصرف کرده و یونس را که خود در دریا و در دهن ماهی زندانی و گرفتار بود او را یاور

نجات در دریا خطاب می‌کند و بدین گونه و با بازسازی ساختار روایی در تلمیح از داستان مورد اشاره آشنایی‌زدایی می‌کند.

۳.۵. استفاده از تلمیح در مقام تمثیل و زبان رمز

مولانا در بیان اهداف خود در کلیات شمس با تصرف در تلمیحات و داستان‌های روایی پیشین از زبان تمثیل و رمزی استفاده می‌کند به نحوی که از نمادهای حماسی بهره برده و تصاویر و نمادهای جدید اسطوره‌ای خلق می‌کند. همای قاف قریبی ای برادر

هما را جز همایی مصلحت نیست

(ج ۱ - ب ۳۷۱۸)

در این بیت با استفاده از نمادهای حماسی و تمثیل قرار دادن بیت هما را رمز سالک و قاف قرب را رمز مرحله قرب الهی تصور می‌کند.

قطره به دریا چو رود در شود

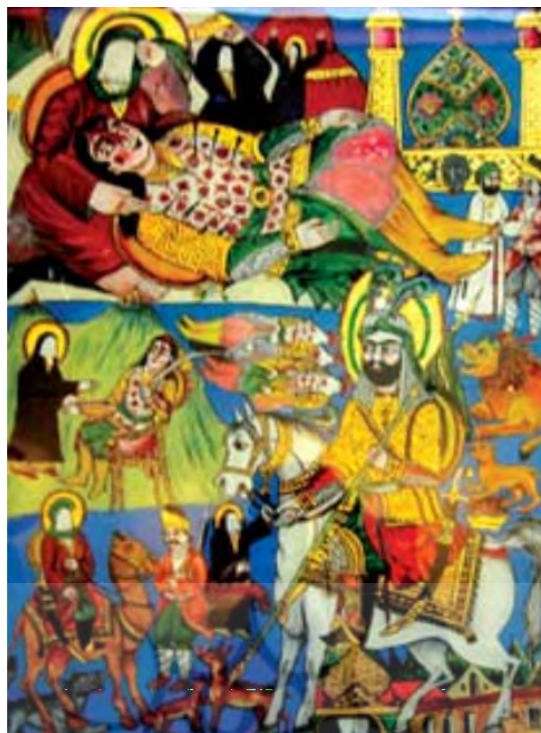
قطره شود بحر به دریای من

(ج ۴ - ب ۲۲۳۳۵)

و در این بیت قطره را نماد وحدت و دریا را نماد کثرت می‌دهد.

گاهی مولانا در تمثیلات و زبان رمزی با مسامحه‌گری در روایات پیشین تصرف می‌کند و با نسبت دادن قاف مامن سیمرغ به هما آشنایی‌زدایی می‌کند و به گفته شمیسا تلمیحات عامه مبتذله را به خاصه غریبه تبدیل می‌کند (شمیسا، ۱۳۶۹:۷۴). در بیت دیگر در مقام تمثیل قطره را رمز وحدت و دریا را رمز کثرت بیان کرده و تصویر جدید می‌آفریند. بررسی‌های شمایل‌نگاری دوره قاجار نشان می‌دهد از تشبیه برای معنی آفرینی و نمادها استفاده شده است. تصویر شماره (۳) از حیوانات، نور و رنگ قرمز استفاده شده است

پژوهش‌های کتابخانه‌ای و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر ۳: شمایل حضرت ابوالفضل در روز عاشورا، نقاشی پشت شیشه مربوط به دوره قاجار. منبع: (باسینی: ۱۳۹۵)

۳.۶. اظهار معلومات

مولانا گاهی تلمیحات را برای بیان علم و معلومات اعتقادی، مذهبی، عامیانه و ... بیان می‌کند. نه گاو که کشی بیگار گردون بر آن بالای گردون شو که بودی

(ج ۶ - ب ۲۸۲۳۸)

مولانا با توجه به دیدگاه اعتقادی و عامیانه ضمن اشاره به آسمانی بودن انسان به طور کنایی به تلمیح قرار گرفتن زمین بر روی گاو و از دیدگاه دیگری از بیگار گردون به تغییر وضعیت‌ها نظر داشته و به طور ضمنی به انسان متذکر می‌شود که ای موجود آسمانی تو نباید مثل گاو تابع تغییر وضعیت‌ها باشی و از آسمانی بودن تنزل کنی. چه پادشاست که از خاک پادشا سازد

ز بهر یک دو گدا خویشان سازد

(ج ۲ - ب ۹۵۲۵)

مولانا در این بیت نیز با اتکا به معلومات اعتقادی و عمیقی که ماخوذ از آشنای ایشان به قرآن و سنت است تمسک جسته و می‌گوید که خداوند که پادشاه جهان است از میان آفریدگان خویش انسان را که خاکی بیش نبود به مقام خلیفه الهی و اشرف مخلوقات ارتقا داده و با اشاره به آیه ۸ سوره حدید (إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَبُوا اللَّهَ قَرَضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ) جهت رفع حاجت بندگان خود خود را متعهد و وام دار وام دهندگان کرده و به آنها در قبال وام قرض الحسنه وعده بهشت داده است.

مولانا با این معلومات عمیق و متفاوت مذهبی تلمیحات خود را از هرگونه تکرار و ابتذال با نوآوری‌ها و هنرمندی‌های خاص خود بر حذر داشته است.

در شمایل‌نگاری دوره قاجار نیز از نقش‌مایه‌های تشبیهی چون شیر و ایجاد بال و حاله نور برای ایجاد حالت قدسی استفاده شده است. تصویر شماره (۴) نمونه‌ای از این موارد است.



تصویر ۴: شمایل‌نگاری در کاشیکاری تکیه معاون الملک. دوره قاجار. منبع: (سیف: ۱۳۹۲).

۳.۷. تشبیه تلمیحی

گاهی مولانا در دیوان شمس از تلمیح به صورت تشبیه استفاده می‌کند و مشبه به را یکی از اجزای تلمیحی قرار می‌دهد به نحوی که درک وجه شبه موقوف به درک تلمیح و رابطه اجزا همان دلالت بر داستان است که تحت الشعاع معنی قرار می‌گیرد و با گسترش تلمیح هنر پیچیدگی به آن می‌بخشد.

عجایبند درختانش، بکر و آبستن

چو مریمی که نه معشوقه و نه شو دارد

(ج ۲ - ب ۹۸۳۲)

مولانا ضمن اشاره به این که تمام کائنات در حال تکاپو و رشد و نمو به سوی عشق هستند در تشبیهی هنرمندانه به تلمیح آبستنی حضرت مریم اشاره می‌کند و درختان را به حضرت مریم تشبیه کرده و بکر و آبستنی بدون شوی را وجه شبه و رابطه تشبیه قرار می‌دهد و بدین وسیله بر جذابیت، تلمیح و آشنایی زدایی آن می‌افزاید.

نتیجه‌گیری

کاربست آرایه‌های ادبی و هنری کی از مختصات ادبیات فارسی است. بررسی آثار شاعران و ادبا و هنرمندان ایرانی تاییدی بر این مدعاست. در این میان شمس تبریزی به‌عنوان یکی از شاعران بزرگ ایرانی در آثار خویش به وفور از آرایه‌های ابدی و به خصوص تلمیح بهره‌جسته است. تلمیحات در برگزیده قسمت عظیمی از اندیشه‌های شاعر است که کلیات شمس به صورت تلمیحات ششگانه اعم از آیات و احادیث، تلمیحات اسلامی و عربی، اعتقادی، تلمیحات ایرانی و مشترک، تلمیحات عامه، تلمیحات نادر و مسامحه‌گرانه طبقه‌بندی از هم متمایز شده‌اند و با اهداف خاص مولانا چون اظهار معلومات، ایجاز، اغراق، معنی آفرینی و تلمیح تمثیلی و ... در تلمیحات ساده و مبتذل با شگردهای شاعرانه خود به صورت روایی و بلاغی تصرف کرده و تلمیحات پیچیده و هنرمندانه‌ای آفریده است و در غزلیات شمس هنرمندی‌های افکارش در کوزه‌ای تنگ از واژگان به نمایش گذاشته است که خود بیانگر وسعت اطلاعات مولانا و کلام گیرنده اوست و همین امر بر اعجاز سخن مولانا که دنباله سخنان شاعران خراسان و تحت تاثیر آنهاست افزوده و او را از شاعران دیگر متمایز کرده است. در کنار آثار ادبی، در نزد هنرمندان و آثار آنها نیز شاهد کاربست آرایه‌ها هستیم. در این میان، آرایه تشبیه یکی از رایج‌ترین این آرایه‌ها است. در شمایل نگاری مذهبی دوره قاجار نیز از تشبیه به وفور استفاده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

کتاب‌ها

- آزند، یعقوب. (۱۳۸۵). نمایش در دوره صفوی. تهران: فرهنگستان هنر.
- اجلالی، امین پاشا. (۱۳۶۹). توضیح نکات ادبی و عرفانی و اشارات قرآنی و احادیث در مثنوی مولوی (دفتر اول)، تبریز: دانشگاه تبریز.
- احمدنژاد، کامل. (۱۳۷۲). فنون ادبی، تهران: پایا.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۴۱). تاریخ بلعمی، ترجمه تاریخ طبری تألیف محمد بن طبری، تصحیح ملک الشعرای بهار، به کوشش محمد پروین، تهران: اداره کل وزارت فرهنگ.
- خاقانی. (۱۳۷۲). دیوان، به کوشش ضیال‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- خزائلی، محمد. (۲۵۳۵). با ترجمه حاج سید هاشم رسول محلاتی، اعلام قرآن، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۳). امثال و حکم، تهران: امیرکبیر.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۵۰) مقاله پری تحقیقی در حاشیه اسطوره‌شناسی تطبیقی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- سیف، هادی. (۱۳۸۷). «هنرهای تجسمی (پرونده نقاشی قهوه‌خانه و یا یاران»، آینه خیال، شماره ۱۰، صص ۲۱-۱۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۹). فرهنگ تلمیحات، تهران: فردوسی.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۶). احادیث مثنوی، تهران: امیرکبیر.
- قیس رازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۳). العجم فی معاییر اشعار العجم، به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس.
- کریستینسن، ارتور. (۲۵۳۵). شاهنشاهی، آفرینش زیانکار در روایات ایرانی، ترجمه احمد طباطبایی، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- محبوب، محمد جعفر. (۱۳۷۴). ادبیات عامیانه ایران. ۲ جلد، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: سرچشمه.
- مولوی. (۱۳۶۳). کلیات شمس تبریزی، تصحیح فروزانفر، تهران: امیرکبیر.
- محدثی، جواد. (۱۳۷۸). فرهنگ عاشورا. ج ۴، قم: نشر معروف.
- نجف‌قلی، میرزا، دره نجفی در علم عروض، بدیع و قافیه، با تصحیح و تعلیقات و حواشی حسین آهی، تهران: فروغی.
- نیسابوری المعروف بالمیلانی، ابی‌الفضل احمد. (۱۳۶۶). مجمع الامثال، مشهد: آستان قدس رضوی.
- نیشابوری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۵۹). به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۵۴). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: دانشگاه سپاهیان انقلاب ایران.
- یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: سروش.

مقالات

- جوانی، اصغر و کاظم نژاد، حبیب‌الله. (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های شمایل‌نگاری شیعه در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای عصر قاجار»، شیعه‌شناسی، ش ۵۵، صص ۴۶-۲۷.

حسینی، مریم. (۱۳۸۶). «پری در شعر مولانا و دیدار با آنیما»، نشریه علوم انسانی الزهرا به شماره ۶۹-۶۸، صص ۲۱-۱.

فرخی، سودابه و فهندری سعدی، غلامحسین. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل آرایه تلمیح و ارائه تقسیم بندی آن بر مبنای ساخت بلاغی»، پژوهش‌های نظم و نثر فارسی، ش ۲، صص ۷۹-۴۱.

قمر، حیدر. (۱۳۸۶). «تسامح در تلمیح به داستان های حماسی و ملی در شعر فارسی»، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم انسانی.

قوامی، بدریه. (۱۳۹۱). «تلقی هنری مولوی از قرآن و حدیث». فصلنامه علمی - پژوهشی، شماره ۱۲، سنندج: دانشکده ادبیات فارسی دانشگاه آزاد.

یاسینی، راضیه. (۱۳۹۵). «سیر تطور شمایل نگاری اسلامی ایران از تنزیه تا تشبیه». نگره، ش ۳۸، صص ۲۱-۵.

پایان نامه‌ها

اردشیری، سمیه. (۱۳۸۶). «فرهنگ تلمیحات در کلیات شمس تبریزی از غزل ۱۰۰۰-۱»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران مرکز.

